



حکمرانی منطقه‌ای خیریه‌ها؛ راهبردی برای همکاری کشورهای خاورمیانه در شرایط عدم اطمینان*



دکتر محمد صالح طیب‌نیا** - محمد صفاری‌انارکی***

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

در دنیای امروز با رویکرد جهانی شدن، تمایل برای ایجاد اتحادیه‌های منطقه‌ای بیشتر شده است. کشورهای خاورمیانه با توجه به اعتقاد مشترک به دین اسلام، دارا بودن ذخایر گسترده نفت و گاز و همچنین موقعیت استراتژیک، نیاز بیشتری به برقراری روابط پویا و مستمر در قالب اتحادیه‌های متشکل از کشورهای اسلامی داشته‌اند که تاکنون علیرغم ارائه طرح‌های مختلف برای همگرایی، امکان تشکیل یک اتحادیه موفق بدور از رقابت‌های منطقه‌ای بوجود نیامده است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که «مدل مناسب اتحادیه در شرایط عدم اطمینان در خاورمیانه کدام است و چرا می‌بایست تشکیل اتحادیه‌ای ویرای اتحادیه‌های معمول در مناطق دیگر، برای این منطقه پرآشوب در نظر گرفته شود؟» مقاله حاضر سعی دارد با روش توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی مختصر موانع همگرایی و تجارب ناموفق آن در منطقه خاورمیانه، به ارائه مدل جدیدی از حکمرانی منطقه‌ای تحت عنوان «اتحادیه اسلامی خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد» بپردازد نتایج مقاله نشان می‌دهد، این اتحادیه می‌تواند علاوه بر رفع موانع همگرایی از طریق اتخاذ دیپلماسی نیکوکارانه، با بهره‌گیری از ظرفیت عظیم افکار عمومی و بازیگران غیردولتی، راه حلی برای رفع هرج و مرج موجود در این چهارراه بین‌المللی حوادث در شرایط عدم اطمینان میان کشورهای منطقه باشد.

کلیدواژگان

منطقه‌گرایی، دیپلماسی نیکوکاری، صلح جهانی، خیریه، اتحادیه اسلامی خیریه‌های خاورمیانه.

* این پژوهش با حمایت پژوهشکده آلاء (مطالعات نوین وقف و امور خیر) دانشگاه اصفهان انجام گرفته است.

** نویسنده مسئول، استادیار دانشکده الهیات و معارف اهل‌البيت^(ع)، دانشگاه اصفهان / ایمیل:

ms.tayebnia@ahl.ui.ac.ir

*** کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، پژوهشگر پژوهشکده آلاء، دانشگاه اصفهان.

مقدمه

در دنیای امروز با رویکرد جهانی شدن، تمایل برای ایجاد اتحادیه‌های منطقه‌ای^۱ بیشتر شده است. افزایش رو به رشد نیازها و خواسته‌های بشری، رشد رفاه در سایه تکنولوژی مدرن، وجود زمینه‌های وابستگی متقابل و چندجانبه، پیچیده شدن مسائل، فنی شدن موضوعات از دیگر عوامل زمینه ساز تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای می‌باشد.

کشورهای خاورمیانه^۲ با توجه به دارا بودن ذخایر گسترده نفت و گاز و موقعیت استراتژیک از اهمیت بسیار زیادی برخوردارند. از سوی دیگر تمرکز قدرت دو گروه اهل سنت و شیعیان در این منطقه، کشورهای خاورمیانه را به قطب‌های مذهبی، فرهنگی و فکری در جهان اسلام تبدیل کرده است. از این رو، نیاز کشورهای منطقه به برقراری روابط پویا و مستمر با یکدیگر، الزامی غیر قابل انکار است. تاریخ سیاسی خاورمیانه نشان می‌دهد که ساختارها و اتحادیه‌های متشکل از کشورهای اسلامی خاورمیانه به دلیل وجود عوامل متعدد واگرا، از جمله رقابت شیعه و سنی و فارس و عرب، امکان تشکیل یک اتحادیه با مشارکت دولت‌ها، بدور از رقابت‌های منطقه‌ای را ندارند.

در دنیای امروز دسترسی افکار عمومی به حجم وسیع اطلاعات و اخبار و پررنگ شدن نقش افکار عمومی و بازیگران غیردولتی باعث گردیده تا اقسام جدیدی از دیپلماسی در کنار دیپلماسی معمول مورد استفاده قرار گیرد. دیپلماسی نیکوکارانه می‌تواند یکی از اشکال جدید دیپلماسی باشد که از مقبولیت میان افکار عمومی جهان برخوردار است. امروزه روند مشترکی که در سطح جهان دیده می‌شود به سمت استفاده بیشتر از ظرفیت سمن‌ها^۳ و بازیگران غیردولتی در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، در سطح ملی و بین‌المللی است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که «مدل مناسب اتحادیه در شرایط عدم اطمینان در خاورمیانه کدام است و چرا می‌بایست تشکیل اتحادیه‌ای و رای اتحادیه‌های معمول در مناطق دیگر، برای این منطقه پرآشوب در نظر گرفته شود؟» در فرضیه آمده است: «اتحادیه می‌تواند علاوه بر رفع موانع همگرایی از طریق اتخاذ دیپلماسی نیکوکارانه، با بهره‌گیری از ظرفیت عظیم افکار عمومی و بازیگران غیردولتی، راه حلی برای رفع هرج و مرج موجود در این چهارراه بین‌المللی حوادث در شرایط عدم اطمینان میان کشورهای منطقه باشد.» برای آزمون این فرضیه، سازمان مقاله چنین است ابتدا به پیشینه، سپس به ارائه چارچوب نظری پرداخته شده است و سپس با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی دلایل عدم توفیق اتحادیه‌های موجود پرداخته و در پایان به ارائه مدلی خاص با حکمرانی سازمان‌های مردم نهاد خواهیم پرداخت.

^۱ . Regional Unions

^۲ . Middle East

^۳ . سمن: سازمان مردم نهاد

۱- پیشینه

با توجه به بررسی‌های انجام شده، جز چند مقاله و پایان نامه - که هر کدام به بخشی از موضوع اتحادیه اسلامی و آن هم نه در منطقه خاورمیانه، پرداخته‌اند- موردی که به شکل کامل به مسأله این پژوهش بپردازد، یافت نشد.

یافته‌ها حاکی از آن است که عمده مطالعاتی که در خصوص اتحاد کشورهای اسلامی نگاشته شده است را می‌توان به دو محور تقسیم کرد:

اول، بررسی وحدت کشورهای اسلامی بر اساس شریعت و آرمان‌های رهبران مسلمان؛ دوم، بررسی علل واگرایی کشورهای اسلامی بالاخص کشورهای اسلامی خاورمیانه در قالب رقابت‌های موجود بدون ارائه راهکار عملیاتی.

به عنوان مثال در مقاله «دولت متحد یا اتحادیه کشورهای اسلامی از آرمان تا واقعیت» (جوان آراسته، ۱۳۹۳: ۲۷-۴۰)؛ (JavanArasterh, 2015: 27-40) کوشیده شده تا مسأله اتحاد میان کشورهای اسلامی را از نگاه آرمانی منطبق با شریعت و به دور از سنجدین واقعیت‌های موجود نظام بین‌الملل، بررسی کند. همچنین می‌توان به پایان نامه «موانع شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای فراگیر در خاورمیانه (۲۰۱۱-۱۹۲۰)» (طاهری مقدم، ۱۳۹۱)؛ (TaheriMoghadam, 2013) اشاره کرد که تنها به موانع شکل‌گیری یک سازمان منطقه‌ای اشاره کرده است. در کتاب «روابط بین‌المللی خاورمیانه» (فاست، ۱۳۹۲)؛ (Fawcett, 2014)، نویسنده چشم اندازی برای وحدت و همکاری میان کشورهای خاورمیانه قائل نیست و به ارائه راهکار نمی‌پردازد.

همچنین مقاله «تحلیل همگرایی در جهان اسلام» (ولایتی و سعیدمحمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۹-۱۵۱)؛ (Velayati and Saiedmohammadi, 2010: 151-179) ضمن بررسی تجارب همگرایی در جهان اسلام سعی دارد طرح‌های مختلف همگرایی در میان کشورهای اسلامی را بررسی نماید و به این نتیجه می‌رسد که اتکای صرف به نظریه‌های رایج همگرایی برای کشورهای اسلامی کافی به نظر نمی‌رسد اما باز هم راهکاری عملیاتی در این مقاله به چشم نمی‌خورد. همچنین مقاله «عوامل واگرایی کشورهای خاورمیانه در دهه‌های اخیر» (واعظ، ۱۳۸۶: ۲۴-۳۴) مسئله اتحادیه اسلامی و عوامل مؤثر در تأخیر تشکیل آن را نه به عنوان طرحی ایده‌آلیستی و ذهنی بلکه به عنوان یک هدف و طرحی واقع‌گرایانه بررسی نموده است. در هر حال به نظر می‌رسد در باب مسأله این پژوهش تا کنون کتاب و یا مقاله‌ای نگاشته نشده است.

۲- چهارچوب نظری

چهارچوب نظری این پژوهش براساس نظریه منطقه‌گرایی باری بوزان و نظریه تکوین‌گرایان بنا شده است. از یک طرف باری بوزان معتقد است منافع دولت‌ها بدون همکاری‌های منطقه‌ای

تأمین نخواهد شد و لذا در خاورمیانه تشکیل اتحادیه منطقه‌ای امری ضروری است و از طرف دیگر بر اساس نظریه تکوین‌گرایی، اشتراکات فرهنگی می‌تواند مهمترین عامل همکاری‌های مشترک باشد از این رو تشکیل اتحادیه اسلامی خیریه‌های خاورمیانه می‌تواند بستر همکاری‌های مشترک دول منطقه را فراهم سازد.

در تبیین چرایی انتخاب چهارچوب نظری این پژوهش باید گفت: اتحادیه‌های منطقه‌ای سازمان‌هایی هستند که در جهت گسترش همکاری‌های بین‌المللی و یا حفظ صلح و بهبود زندگی مردم منطقه نقش قابل ملاحظه‌ای دارند. این سازمان‌ها که برای تقویت همکاری و یکپارچگی سیاسی و اقتصادی ایجاد می‌شوند (Spandler, 2018: 7) موجب نزدیکی کشورهای می‌شوند که به لحاظ فرهنگی، تاریخی و مذهبی اشتراکاتی دارند (شفیعی و مرادی، ۱۳۹۱: ۷۷؛ Shafii and Moradi, 2013: 77) اگر چه با پایان جنگ جهانی دوم، این نوع سازمان‌ها با هدف پیگیری اهداف سیاسی، اقتصادی، نظامی و یا محیط زیستی شکل گرفتند ولی طی دهه‌های گذشته به تدریج به حوزه‌های دیگر از جمله پیشگیری جنگ و حفظ صلح و اعتماد سازی و امنیت، گسترش پیدا کرده‌اند.

به طور کلی منطقه‌گرایی تابع مقدماتی است که می‌توان به وجود تجربه‌های تاریخی مشترک در بین کشورهای یک منطقه به عنوان مهم‌ترین آن اشاره کرد. همچنین مسائل مشترک و گسترش ارتباطات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی میان کشورها، آن‌ها را در فرآیندی هم‌سو قرار می‌دهد. نکته قابل توجه در این فرایند، افزایش تفاهم سازمانی برای مدیریت منطقه‌ای است (Andrew, 1996: 251).

باری بوزان معتقد است با توجه به نزدیکی دولت‌ها در سطح منطقه‌ای نمی‌توان امنیت آن‌ها را جدای از یکدیگر در نظر گرفت و به همین دلیل کشورهای منطقه برای ایجاد امنیت خود به سمت برقراری یک امنیت درون منطقه‌ای با تشکیل یک اتحادیه منطقه‌ای سوق پیدا می‌کنند (Bozan and Waver, 2003: 43). حال اینکه در منطقه خاورمیانه، چه نوع اتحادیه‌ای توان پاسخ‌گویی به نیازهای کشورهای منطقه را دارد پاسخ آن را باید در تئوری تکوین‌گرایی جست.

تکوین‌گرایان نسبت به سازمان‌های بین‌المللی نگرش فرهنگی دارند و معتقدند این سازمان‌ها براساس هویت و هنجارهای مختلف شکل می‌گیرند و هویت فقط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیست. بر اساس نظریه تکوین‌گرایی برای فهم سیاست خارجی دولت‌ها می‌بایست علاوه بر ساختارهای مادی (همچون قدرت، منافع، ژئوپلیتیک و ...) به ساختارهای معرفتی (ایده‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، اندیشه‌ها و ...) توجه ویژه کرد (امیدی، ۱۳۸۸: ۴۴)؛ (Omidi, 2010: 44). بنابراین تمایز

^۱. Barry Buzan

رفتار در سیاست خارجی دولت‌ها از درک و میزان تأثیرگذاری آن‌ها از هنجارها ناشی می‌شود. شباهت رفتار دولت‌ها نیز بیشتر از آنکه برآمده از الزامات ناشی از معمای امنیت در نظام بین‌الملل آنارشیک باشد، نتیجه هنجارها و باورهای بین‌المللی مشترک است (ونت، ۱۳۸۸: ۵۰۳-۵۰۴)؛ (Wendt, 2020: 503-504). لذا تکوین‌گرایان معتقدند که در مواردی نوعی اشتراک هویتی در صحنه بین‌الملل وجود دارد که این هویت جمعی مشترک، از طریق محوکردن تفاوت‌ها میان دولت‌ها، به «هم ذات‌پنداری» خود با دیگری منجر می‌شود (Wendt, 1999: 227-252). به عنوان مثال مسلمانان دارای اشتراکات هویتی هستند لذا انتخاب جنبه اسلامی برای تشکیل اتحادیه در این منطقه امری مسلم می‌نماید و از سوی دیگر اقدامات بشردوستانه و نیکوکارانه نیز با توجه به اینکه هویت مشترک میان تمام آموزه‌های ادیان الهی است می‌تواند در تشکیل اتحادیه مورد توجه قرار گیرد.

اندک توجهی بر نحوه تشکیل و ادامه حیات سازمان‌های موفق منطقه‌ای به خصوص اتحادیه اروپا^۱ و سازمان آ.سه.آن^۲ نشان می‌دهد که همگرایی و همکاری کشورها در یک مجموعه منطقه‌ای بر محور مسائل اقتصادی، فنی و فرهنگی، خود به خود به عرصه‌های امنیتی و سیاسی نیز سرایت خواهد کرد و نهایتاً منجر به اتخاذ یک سیاست مشترک منطقه‌ای خواهد گردید.

علاوه بر این، نظریه همگرایی کارکردگرایان^۳ نیز مویید این مطلب است که وابستگی متقابل بیشتر میان کشورها بواسطه تعهدات فراملی، می‌تواند زمینه‌ساز صلح باشد. میترانی بر این باور است که همکاری را اهل فن (ونه سیاستداران) باید تدارک ببینند. متخصصین راه‌حل‌های متفاوتی برای مشکلات مشترک ارائه می‌دهند. همکاری در حوزه‌های تخصصی زمانی توسعه می‌یابد که مشارکت کنندگان به سودمندی متقابل حاصل از چنین فرآیندی پی‌برند. زمانی که شهروندان به این نکته پی‌برند که همکاری مؤثر در قالب سازمان‌های بین‌المللی باعث افزایش رفاه می‌شود، آنها نیز لاجرم وفاداری به سازمان‌های بین‌المللی را جایگزین وفاداریشان به دولت‌ها خواهند کرد. (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۴: ۴۹۸)؛ (Jackson and Sorensen, 2015: 498) از این رو یک اتحادیه تخصصی در حوزه نیکوکاری که مبتنی بر اهداف مشترک خیرخواهانه است می‌تواند از موفقیت چشمگیری برخوردار گردد.

۳- ضرورت‌های تشکیل اتحادیه در خاورمیانه

ضرورت‌های همگرایی و تشکیل اتحادیه در خاورمیانه بسیارند، لکن اموری را که می‌توان به

¹. European Union

². ASEAN

³. Functionalist Theory of Integration

عنوان این ضرورت‌ها مطرح ساخت عبارتند از:

۳-۱- اقتصادی

بیشتر کشورهای منطقه جزء کشورهای در حال توسعه یا در مواردی توسعه نیافته هستند و لذا بیشتر ویژگی‌های کشورهای در حال توسعه از جمله رشد جمعیت و نیروی کار بیش از نرخ رشد اشتغال در این منطقه قابل ملاحظه است (T.Abed, 2003). کشورهای منطقه در دو دهه اخیر تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه خود همچون کشاورزی، توریسم، نانو، پتروشیمی و ... از اقتصاد تک محصولی وابسته به صادرات نفتی فاصله بگیرند. لذا به لحاظ اقتصادی میل به همگرایی برای کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه، منافع بسیاری دارد که می‌توان گشایش در معطل نیروی کار و تأسیس بازارهای فروش برای تولیدات نفتی و غیر آن، اشاره کرد.

۳-۲- امنیتی و سیاسی

خاورمیانه را می‌توان از جمله مناطقی دانست که اقتصاد آن با اوضاع امنیتی، سیاسی، به یکدیگر گره خورده است. بهترین اقدام برای برقراری امنیت در منطقه ایجاد همگرایی منطقه‌ای است. وجود چندین جنگ در این منطقه از جمله جنگ افغانستان، عراق، سوریه و یمن گواه دیگری بر این مدعا است.

۳-۳- فرهنگی و دینی

مسائل فرهنگی (به طور کلی) و مسائل اعتقادی - مذهبی (به طور خاص) از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار در هر نوع گرایش به همگرایی و یا واگرایی می‌باشد. با توجه به وجود تفاوت‌های نژادی و قومی میان مردم این منطقه، به نظر می‌رسد اسلام به خوبی می‌تواند نقش وحدت‌آفرینی در میان کشورهای منطقه بر عهده بگیرد.

۳-۴- مقابله با تهدیدات مشترک

دشمن مشترک یکی از عوامل ایجاد وحدت میان کشورهایی است که از سوی آن تهدید می‌شوند. تا چندی پیش می‌شد از رژیم اشغالگر قدس به عنوان دشمن مشترک کشورهای مسلمان منطقه نام برد اما امروز مشکلات زیست‌محیطی در خاورمیانه در حال تبدیل شدن به بحران است. طوفان ریزگردها و خشکسالی زندگی مردم خاورمیانه را در معرض تهدید قرار داده (ملکی، ۱۳۹۷: ۳۴۹)؛ (Maleki, 2019: 349)، تا جایی که اگر کشورهای منطقه راه حلی برای این معطل‌نشدن این بحران‌ها می‌تواند در آینده نه چندان دور باعث ایجاد درگیری‌های بیشتر در منطقه شود.

علی‌رغم ضرورت‌ها و منافع مشترکی که اشاره شد، همچنان شاهد آنیم که اتحادیه‌ای موفق با شرکت تمام کشورهای مسلمان منطقه، به دلایلی تشکیل نشده است. برای نمونه اتحادیه عرب^۱ برخلاف آنچه ملت‌های عرب انتظار داشته‌اند، نتوانسته به وحدت دول عرب کمک قابل توجهی

^۱. Arab Union

نماید. گواه این مدعی ناتوانی اتحادیه عرب در حل مشکلات فیما بین اعضا و اختلافات دورنی سازمان است (Ibrahim, 2017: 32-34). همچنین در شورای همکاری خلیج فارس^۱ به علت بی‌توجهی به انگاره‌های تشکیل یک همگرایی، تنوع در ساختار سیاسی، اختلاف‌های مرزی و سیاسی، کشمکش‌ها و آشفتگی‌های داخلی در برخی کشورهای عضو، وابستگی سیاسی و امنیتی به قدرت‌های فرمانطقه‌ای از جمله آمریکا (امامی، ۱۳۷۲: ۵۰)؛ (Emami, 1994: 50) و تمایلات افراطی ملی‌گرایانه در پادشاهی‌های خلیج فارس، تنش‌ها در میان کشورهای عضو تشدید شده است تا جایی که تلاش برخی از اعضا برای دستیابی به صلح در یمن را تاکنون ناکام گذاشته است (Gertjan, 2021: 151). سازمان کنفرانس اسلامی نیز نمونه دیگری است که به علت وجود نظام‌های سیاسی ناهمگن، وابستگی سیاسی غالب اعضا به قدرت‌های بزرگ، جناح‌بندی‌های درون سازمانی، تفاوت‌های مذهبی و فرقه‌گرایی دینی، موضع اعضا در خصوص بهار عربی، پرونده هسته‌ای ایران (بزرگمهری و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۶)؛ (Bzorgmehri et.al., 2017: 26) و موارد دیگر کارآمدی لازم را نداشته است.

۴- موانع شکل‌گیری، حکمرانی و کارکردهای اتحادیه منطقه‌ای خیره‌ها

۴-۱- موانع شکل‌گیری اتحادیه منطقه‌ای با مشارکت کشورها

همان‌گونه که اشاره شد تاکنون هیچ یک از اتحادیه‌ها در منطقه پرآشوب خاورمیانه نتوانسته موفقیت قابل توجهی کسب نماید. مهم‌ترین موانع شکل‌گیری اتحادیه در این منطقه عبارتند از:

۴-۱-۱- نگاه متفاوت نسبت به امنیت و دشمن مشترک

ایران و عراق، آمریکا را دشمن خود می‌دانند ولی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس چنین نظری ندارند (مجتهدزاده، ۱۳۹۸: ۶۴)؛ (Mojtahedzadeh, 2020: 65). از سوی دیگر ایران، اسرائیل را دشمن مشترک امت مسلمان می‌داند اما آمریکا و اسرائیل توانسته‌اند از طریق پروژه ایران‌هراسی (زاده‌علی و میرحسینی، ۱۳۹۶: ۱۵۱-۱۸۲)؛ (ZadehAli and Mirhoseyni, 2018: 151-182) و پیشنهاد تشکیل ناتوی (کریمی، ۱۳۹۸)؛ (Karami, 2019)، حمایت تعدادی از کشورهای منطقه را در مورد اجرای پروژه «معامله قرن» تجلب نمایند (مجیدی و شجاعی، ۱۳۹۷: ۸۸)؛ (Majidi and Shojai, 2019: 88) و مسئله «عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای عرب منطقه، توافقنامه صلح اسرائیل و امارات متحده عربی، توافقنامه عادی‌سازی روابط بحرین و اسرائیل» (ملکی، محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۴۵-۶۴)؛ (Maleki & Mohammadzadeh, 2021: 45-64) باعث عمیق‌تر

^۱. Persian Gulf Cooperation Council

^۲. Organisation of the Islamic Conference

^۳. Deal of the Century

شدن اختلافات در منطقه شده است.

۴-۱-۲- نژادگرایی و ناسیونالیسم

گسترش و نفوذ اندیشه‌ی ناسیونالیسم در میان کشورهای اسلامی که به قومیت‌ها و ملت‌های گوناگون آمیخته هستند، به همراه رویش انواع ناسیونالیسم عربی، ترکی، ایرانی و... باعث گرایش به ایجاد دولت‌های ملی بر اساس این اندیشه‌ها گردیده است (علی‌بابایی، ۱۳۷۴: ۱۰۶-۱۰۷)؛ (106: 1996, AliBabai). اختلافات موجود میان اعضای اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس از جمله عدم پیوستن کشورهای عرب منطقه به سازمان همکاری اقتصادی (اگو) و به ویژه مسئله فلسطین را می‌توان از نشانه‌های ملی‌گرایی افراطی در این بخش از جهان اسلام دانست.

۴-۱-۳- اختلافات ارضی و هیدروپولیتیک

ادعای امارات متحده عربی نسبت به جزایر ایرانی (Mojtahedzadeh, 2012: 42)، ادعای عربستان بر تمام جزیره العرب (Okruhlik, 1999: 230-248) و جزایر «ام المرادم و قروه» و قطر (آشتی، ۱۳۶۶: ۹۱)؛ (91: 1988, Ashti) اختلاف قطر و ابوظبی بر سر مالکیت جزیره حالول (AGDA:1-9۰) و چند جزیره کوچکتر و همچنین اختلاف ایران و افغانستان در خصوص آب ورودی از هیرمند (مجتهدزاده و عسگری، ۱۳۸۴: ۲۰۹)؛ (209: 2006, Mojtahedzadeh & Asgari) و اختلافات سوریه و ترکیه و عراق بر سر آب دجله و فرات و توسعه پروژه جنوب خاور آناتولی (محمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۳۱)؛ (231: 2013, Mohammadi et al.) از این نمونه‌هاست.

۴-۱-۴- تنش میان ایران و عربستان

ایران و عربستان به عنوان دو کشور مهم و تأثیرگذار در منطقه خاورمیانه و دو قطب فرهنگی، فکری و مذهبی در جهان اسلام، محسوب می‌شوند (صفاری، ۱۳۹۴: ۲۸)؛ (28: 2016, Saffari). رقابت میان این دو کشور باعث ایجاد فضای دو قطبی در منطقه شده که بالطبع عدم حضور هر کدام از این کشورها در هر اتحادیه‌ای، آن اتحادیه را بی‌اثر خواهد کرد. «امروزه این منازعه عمق بیشتری نیز یافته و در مسائل مختلف از جمله جنگ سوریه، یمن و عراق نمودهای تازه‌ای پیدا کرده است» (احمدیان و کهریزی، ۱۴۰۰: ۲۶)؛ (26: 2022, Ahmadian and Kahrizi).

همان‌گونه که اشاره شد اختلافات متعدد از جمله تفاوت دیدگاه در تعریف دشمن مشترک، پروژه ایران‌هراسی، رقابت در رهبری جهان اسلام میان ایران و عربستان، مسائل ناسیونالیستی و فقدان اعتماد متقابل میان کشورهای عربی منطقه از یک سو و ایران از سوی دیگر (هرسیج و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۰)؛ (20: 2015, Harsij et al.) تشکیل اتحادیه منطقه‌ای را دشوار ساخته است. لذا اتکای صرف بر نظریه‌های رایج همگرایی و با مشارکت دولت‌های منطقه امری دشوار است. جوامع

¹. Economic Cooperation Organization

اسلامی نیازمند مدلی هستند که بتواند موانع اشاره شده را با قدرت از سر راه آن‌ها بردارد. طرح نظریه تشکیل اتحادیه اسلامی خیریه‌های خاورمیانه را می‌توان نخستین گام در راه برطرف نمودن عوامل بازدارندگی همگرایی کشورهای اسلامی خاورمیانه دانست که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

۴-۲- اتحادیه اسلامی خیریه‌های خاورمیانه

تحولات چند دهه گذشته در عرصه روابط بین‌الملل بیان‌کننده این واقعیت است که نقش سمن‌ها در معادلات بین‌المللی در حال فزونی یافتن و در مقابل آن، نقش دولت‌ها رو به کاستن و درصد قابل توجهی از بودجه مراکز خیریه صرف حوزه‌هایی مانند محیط زیست و سازمان‌های صلح جهانی می‌شود (List, 2011: 163).

امروزه در بسیاری از کشورهای جهان، بخش مردم‌نهاد رکنی از ساختار جامعه است که در کنار بخش دولتی و خصوصی، در تنظیم اقتصاد و خدمات رسانی نقش ایفا می‌کند (طیبنیا و دیگران، ۱۳۹۹: ۹)؛ (Tayebnia et.al., 2021: 9). سازمان‌های غیردولتی یا سمن‌ها، ساختارهایی توانمند در مسیر تعاملات صحنه بین‌الملل بوده و می‌توانند به عنوان نماینده فرهنگی در جهت مشارکت در امور مختلف در سطح ملی و فراملی در نظر گرفته شوند. نقش آفرینی سمن‌ها را می‌توان تبلور حضور سازمان یافته ملت‌ها در روابط بین‌الملل و روند تعاملی با جامعه جهانی تلقی کرد. در بسیاری از موارد سمن‌ها به نمایندگی از مردم به منظور اثرگذاری بر قوانین کشورهای وارد صحنه شده و با حمایت مردم، دولت‌ها را به اصلاح یا تغییر قوانین وضع شده واداشته‌اند. به عنوان مثال می‌توان به فعالیت‌ها و اثرگذاری سمن‌های امریکایی و اروپایی در خصوص تحریم نظام آپارتاید در آفریقای جنوبی در دهه ۱۹۸۰ اشاره کرد (شیرازی، ۱۳۹۶: ۳۲)؛ (Shirazi, ۲۰۱۸: ۳۲).

۴-۳- حکمرانی خیریه‌ها به مثابه قدرت نرم^۱

بسیاری از نظریه پردازان معتقدند قدرت نرم به کشورها قدرت نفوذ در افکار عمومی می‌دهد تا از این طریق کشور هدف را ترغیب به همکاری نمایند. جوزف نای^۲، به عنوان نظریه پرداز اصلی قدرت نرم، معتقد است چنین روشی در تضاد با قدرت سخت قرار دارد که در آن نفوذ از طریق قوه قهریه حرف اول را می‌زند. وی اعمال قدرت نرم را از طریق توسعه روابط با متحدان و روابط میان فرهنگی میسر می‌داند. از دیدگاه نای اتخاذ چنین سیاستی در نهایت باعث افزایش محبوبیت دولت‌ها در میان افکار عمومی کشور هدف خواهد شد و کسب منزلت و خوشنامی بین‌المللی برای دولت‌ها را در پی خواهد داشت (Nye, 2003:15).

برخی از عوامل تولید و تقویت قدرت نرم که در حوزه سمن‌ها و اقدامات نیکوکارانه قرار

1. Soft Power

2. Joseph Nye

می‌گیرند و می‌توان از طریق حکمرانی خیریه‌ها به آن‌ها دست یافت عبارتند از: ارائه تصویر مطلوب از خود، زدودن ذهنیت‌های منفی تاریخی، قدرت شکل دهی و کنترل افکار عمومی، قدرت نفوذ در باورها و نگرش‌ها، ارائه خدمات بشردوستانه، مشارکت در جنبش‌های صلح طلب (میلسن و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۶)؛ (Milsen et.al., 2010: 56).

تشکیل اتحادیه اسلامی خیریه‌های خاورمیانه در مقایسه با سایر اتحادیه‌های مرسوم در صحنه روابط بین‌الملل، با توجه به سه ویژگی غیرسیاسی، غیرنظامی و غیرانتفاعی بودن آنها و با هدف به کارگیری دیپلماسی نیکوکارانه و استفاده از نفوذ قدرت نرم، دارای برتری‌هایی است که می‌توان آن‌ها را اینگونه برشمرد:

اول، باور سازمان‌های مردم‌نهاد از جمله خیریه‌ها بر مبنای جلب مشارکت حداکثری است. لذا حکمرانی خیریه‌ها در قالب اتحادیه می‌تواند با کشف، تعریف و ترویج ارزش‌ها و منافع مشترک، همکاری تمام کشورها را به بهترین شکل جلب نماید.

دوم، این اتحادیه، زمینه حضور و ایفای نقش غیر رسمی نهادهای مدنی و غیردولتی را فراهم خواهد کرد که این خود موجبات گسترش حوزه نفوذ دیپلماسی نیکوکاری در مقایسه با انواع دیپلماسی سنتی خواهد شد که انعطاف بیشتری از نوع سنتی تر خود دارد.

سوم، یکی از جدی‌ترین موانع دستیابی به اهداف سیاست خارجی در سایر کشورها، مقاومت‌هایی است که در کشور هدف صورت می‌گیرد. از آنجا که تصمیمات مبتنی بر اقدامات نیکوکارانه و خیرخواهانه در اغلب موضوعات ذهن و روح مخاطب را هدف قرار می‌دهد، در مقایسه با سایر ابزارهای مرسوم در دیپلماسی با سادگی بیشتری در جامعه هدف نفوذ می‌کند و در نتیجه ماندگاری بیشتری نیز دارد.

چهارم، دیپلماسی این اتحادیه که مبتنی بر نگاه بشردوستانه و اعمال نیکوکارانه است، می‌تواند به منزله فتح بابی برای شکل‌گیری تفاهم میان ملت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد و به مرور پایه‌ریزی روابط پایدار میان دولت‌ها باشد.

پنجم، اتحادیه می‌تواند به شناخت متقابل و درک صحیح کشورها از منافع و نگرانی‌های یکدیگر کمک نماید. با توجه به شکل دهی ساختارها به رفتار بازیگران صحنه سیاسی و اجتماعی، اتحادیه می‌تواند نقش تأثیرگذاری در اصلاح و بازتولید ساختارهای عقیدتی و هنجاری کشورهای عضو نسبت به هم، داشته باشد و باعث خواهد شد کشورهای منطقه با انتخاب هویت جمعی به یک همکاری ناگسستنی دست یابند. سازه‌انگاران معتقدند برای برقراری همکاری و صلح جهانی می‌بایست هنجارهای تقویت‌کننده و نظم‌دهنده نظام بین‌الملل را به شکلی تغییر داد که دولت‌ها، اقدام بر اساس تفکرات رئالیسم را متوقف و در جهت ایجاد یک نظام صلح‌آمیز که هویت و منافع کشورها را تغییر دهد، حرکت نمایند. از آنجا که در این تئوری، تصورات مشترک بین افراد جامعه

رفتار کشورها را تعیین می‌کند، لذا برای ایجاد صلح، اولاً باید کشورها از در نظر گرفتن خود به عنوان یگانه بازیگر تأثیرگذار دست برداشته و ثانیاً خود را به عنوان عضوی از یک جمع واحد با منافع مشترک در نظر بگیرند (شیرازی، ۱۳۹۶: ۲۹)؛ (Shirazi, 2018: 29) و با رسیدن به یک هویت جمعی که به موجب آن بازیگران «رفاه دیگری را بخشی از رفاه خود» تعریف کرده و بنابراین رفتاری نوع‌دوستانه در پیش خواهند گرفت (Wendt, 1999: 227). در این شرایط نقش نهادهای غیردولتی همچون اتحادیه اسلامی خیریه‌های خاورمیانه چشمگیر می‌شود.

باید در نظر داشت کشورها درک متفاوتی نسبت به همکاری و وقایع صحنه بین‌الملل دارند بنابراین نمی‌توان امید داشت که مسائل میان آن‌ها به آسانی حل و فصل شود. در این میان پاره‌ای از بازیگران از جمله سمن‌ها و به طور خاص خیریه‌ها، که هدف آن‌ها حفظ و تعالی روابط بشردوستانه است می‌توانند همکاری را تبدیل به وجه غالب تعامل میان خود کرده و حس همستگی و هویت مشترک را میان خود و کشورهای خود ایجاد نمایند. این اتحادیه می‌تواند با ایجاد شبکه‌ای گسترده از همکاری‌ها میان کشورهای خود در ایجاد «عرصه سیاست باز» (کبریایی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۸)؛ (Kebriaizadeh, 2012: 18) در گفتمان ایجاد شده توسط خیریه‌ها مشارکت فعال داشته باشد.

از سوی دیگر برخی از اندیشمندان از جمله هاوس معتقدند در حوزه سیاست همکاری به صورت ملایم آغاز می‌شود. هاوس معتقد است سیاست و اقتصاد از یکدیگر جدا نیستند و به بایستگی سیاسی موضوعات اقتصادی اذعان دارد. یکی از مفاهیم مورد استفاده هاوس، «سرریزی»^۱ یا «سرایت» است. بر اساس این مفهوم بخش‌های مختلف اقتصادی به یکدیگر وابستگی دارند، از این رو همکاری در یک قسمت باعث همکاری در قسمت‌های دیگر شده و این همکاری از بخشی به بخشی دیگر سرریز می‌شود (هاوس، ۱۳۸۵: ۱۶۵)؛ (Hause, 2007: 165). اتحادیه اسلامی خیریه‌های خاورمیانه با این نگاه می‌تواند همکاری در بخش سوم اقتصاد را تسهیل و از این طریق، گام‌های مؤثری برای توسعه همکاری و سرایت آن به دیگر بخش‌ها بردارد.

حکمرانی خیریه‌ها در لوای ایجاد اتحادیه مشترک در خاورمیانه، می‌تواند با ایجاد ارتباط مؤثر به تعاملات میان کشورها، ارتباطات متقابل میان نخبگان، فشار جهت پاسخگو بودن نخبگان، به مانند گروه‌های فشار در اعمال سیاست دولت‌ها عمل نماید.

۴-۴-۴- کارکردهای اتحادیه اسلامی خیریه‌های خاورمیانه

۴-۴-۱- برندسازی کشورهای عضو

امروزه اکثر ملت‌ها به روزرسانی هویت ملی و بازسازی تصویر ملی خود را از اهداف مهم و استراتژیک اعلام کرده‌اند. ایجاد اعتماد به نفس ملی به عنوان مبنای آغازین خودباوری ملی و هویت ملی مستحکم، از اصول اولیه پروژه برندینگ و تصویر ملی می‌باشد (قربی، ۱۳۹۸: ۹۰)؛

^۱. Spill-Over

(Ghorbi, 2020: 90). تشکیل اتحادیه اسلامی خیریه‌های خاورمیانه می‌تواند تصویری را که از خاورمیانه و کشورهای منطقه در اذهان ملت‌ها شکل گرفته است را به کلی تغییر داده و از شکل جنگ به صلح و نیکوکاری و معرفی اسلام واقعی سوق دهد.

۴-۲- کسب منزلت

کسب حیثیت و اعتبار در صحنه بین‌المللی یکی از نتایج اتخاذ دیپلماسی نیکوکارانه است. استفاده مؤثر از قدرت نرم توسط یک کشور می‌تواند جایگاه و موقعیت آن را در نظام بین‌الملل بهبود بخشد. با تشکیل این اتحادیه اعتماد و منزلت دولت‌ها در سایه ارتباطات شبکه‌ای که در اتحادیه ایجاد می‌شود به طور مؤثری حاصل خواهد شد.

۴-۳- همسوسازی ملت‌های دیگر

اتحادیه اسلامی خیریه‌های خاورمیانه می‌تواند با گسترش سطح روابط و تعاملات چندجانبه به افزایش قدرت نرم خود پردازد (خاشعی و امامزاده، ۱۳۸۹: ۲۱)؛ (Khashei & Emamzadeh, 2011: 21). تعامل بازیگران منطقه خاورمیانه در اتحادیه به همراه ظرفیت‌های موجود در خیریه‌ها، می‌تواند به بهبود چهره تخریب شده کشورهای اسلامی در میان ملت‌های دیگر منجر شود و ایجاد یک حکمرانی و همگرایی موفق از طریق خیریه‌های عضو اتحادیه می‌تواند افزایش نفوذ افکار عمومی و قدرت نرم و سرانجام افزایش قابلیت‌های اقتصادی، گسترش صلح در منطقه، برقراری امنیت، مهار نفوذ ابرقدرت‌ها و ... را در پی داشته باشد.

۴-۴- گسترش صلح و دوستی در منطقه و جهان

دوستی لازمه هر کنش سیاسی است (اکوانی، ۱۳۹۴: ۱۱۵)؛ (Ekvani, 2016: 115). با تشکیل این اتحادیه، یکجانبه‌گرایی جای خود را به همکاری مشترک داده و منافع دولت‌های منطقه، با ایجاد تعهدات خیرخواهانه نسبت به یکدیگر ساخت پیدا خواهد کرد و در طول زمان وابستگی متقابل و منافع جمعی جای رقابت‌ها را می‌گیرد (شیرازی، ۱۳۹۶: ۲۹)؛ (Shirazi, 2018: 29).

۴-۵- همگرایی کشورهای اسلامی

شرایط و مقتضیات زمان، اشتراک در اهداف دینی، انسانی و منافع اقتصادی و سیاسی را می‌توان از مهم‌ترین علل ایجادکننده همگرایی جهان اسلام در عصر حاضر دانست (زارع، ۱۳۹۲: ۱۱۹)؛ (Zare, 2014: 119). این اتحادیه می‌تواند با تمرکز بر اسلام و مسئله نیکوکاری که نقطه اشتراک تمامی کشورهای اسلامی است و کم‌رنگ کردن نقاط اختلاف جوامع اسلامی، فرصت همگرایی در میان کشورهای منطقه را افزایش دهد.

۴-۶- انتقال اندیشه‌ها و پیام‌های دین اسلام

یافتن موضوعی میان فرهنگی که در همه ادیان مشترک است و با جنبه‌های انسانی سر و کار

^۱. Convergence

دارد و ملت‌ها با نگاه‌های مختلف بر سر آن اشتراک دارند، می‌تواند باعث سهولت در انتقال مفاهیم و جذابیت برای مخاطبان گردد. یکی از کار ویژه‌های این اتحادیه را می‌توان گسترش و پیوند ارزش‌های مشترک میان ادیان در راستای گسترش نفوذ در میان دیگر ملت‌ها دانست تا از این طریق ریل‌گذاری دیپلماسی نفوذ را برای کشورهای عضو تسهیل و زمینه‌های گسترش قدرت نرم کشورهای منطقه را فراهم آورد.

همچنین اتحادیه اسلامی خیریه‌های خاورمیانه می‌تواند با بهبود روابط میان کشورهای عضو با تأکید بر موضوع مشترک نیکوکاری در اسلام و با برجسته‌سازی میراث مشترک اسلامی نوعی اعتماد میان کشورهای اسلامی به وجود آورد که منجر به یک صدا شدن کشورهای اسلامی در صحنه روابط بین‌الملل خواهد شد (قربی، ۱۳۹۸: ۱۰۱)؛ (Ghorbi, 2020: 101).

۴-۷- کاهش سطح تعارضات در تعاملات بین‌المللی

تنش‌زدایی میان کشورها به دو صورت امکان پذیر است. «در یک حالت تنش‌زدایی میان رهبران و طبقه حاکم دو کشور صورت می‌گیرد که از آن با عنوان تنش‌زدایی از بالا نام می‌برند و حالت دوم که ابتدا تنش‌زدایی میان مردم کشورها صورت می‌گیرد و سپس به رهبران القاء می‌شود که آن را تنش‌زدایی از پایین می‌نامند» (قربی، ۱۳۹۸: ۱۰۳)؛ (Ghorbi, 2020: 102). مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در تغییر دیدگاه مردم یک کشور نسبت به دیگری، ارتباط میان افکار عمومی کشورهاست که اعمال نیکوکارانه می‌تواند در تغییر این نگاه، نقش مؤثری را ایفا نماید و زمینه را برای تصمیم‌دولت‌ها به تنش‌زدایی با یکدیگر و همچنین کاهش منازعات و خشونت‌ها در منطقه خاورمیانه فراهم سازد.

نتیجه‌گیری

ضرورت‌های اقتصادی، امنیتی - سیاسی و فرهنگی - دینی و مقابله با تهدیدات مشترک از جمله عواملی هستند که ضرورت همگرایی و تشکیل یک اتحادیه متشکل از تمامی کشورهای منطقه خاورمیانه را تشدید می‌کنند. اما مسائلی همچون نگاه متفاوت به امنیت و دشمن مشترک، نژادگرایی و ناسیونالیسم، اختلافات ارضی و هیدروپلیتیک منطقه، وابستگی به قدرت‌های فرا منطقه‌ای و تنش میان قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران و عربستان، از موانع عمده ایجاد یک اتحادیه با مشارکت دولت‌های منطقه هستند. با توجه به توسعه قدرت نرم به جای قدرت سخت در عرصه بین‌الملل و همچنین حضور فعال خیریه‌ها و سمن‌ها در عرصه دیپلماسی و اعتماد افکار عمومی و همچنین دولت‌ها به این سازمان‌ها، زمینه برای تأسیس یک اتحادیه منطقه‌ای با مشارکت خیریه‌های جهان اسلام بیش از پیش فراهم شده است.

این اتحادیه با ساختار توانمند خود که متشکل از صاحبان نفوذ در حوزه امر خیر در کشورهای منطقه است، می‌تواند در تعامل با جامعه جهانی فعال باشد و به عنوان نماینده کشورهای خود در

راستای حضور ملت‌ها در صحنه بین‌الملل فعالیت نماید.

سه ویژگی غیرسیاسی، غیرنظامی و غیرانتفاعی بودن موجب خواهد شد تا این اتحادیه با جلب مشارکت افکار عمومی و با قابلیت انعطاف بیشتر برای عملیاتی ساختن اهداف خود، کاهش آسیب‌پذیری، نفوذ آسان‌تر در جامعه هدف، اثرگذاری مطلوب و شایسته‌تری را پدید آورد. لذا در شرایط جدید حاکم بر مناسبات کشورها، خیریه‌ها به عنوان نمادی از مشارکت موفق مردم در حل معضلات کشورها و ملت‌ها می‌توانند بستر ساز پیشرفت دیپلماسی مبتنی بر نیکوکاری در صحنه روابط بین‌الملل باشند.

در نهایت یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد با تشکیل اتحادیه فوق می‌توان به اهدافی از جمله تصویرسازی مثبت از کشورهای مسلمان در نگاه ملت‌های دنیا و همراه ساختن افکار عمومی، گسترش مرادفات خیرخواهانه و ارتقای اعتماد میان کشورهای عضو، کمک به اهداف سیاسی کشورهای منطقه، کمک در ایجاد صلح در منطقه، اتخاذ سیاست‌های تنش‌زدا و اعتماد ساز و کاهش سوء تفاهات میان دولت‌های منطقه، تشویق به توسعه روابط اقتصادی، نائل آمد.

منابع فارسی

۱. احمدیان، ق.، کهریزی، ن. (۱۴۰۰). ایران و عربستان؛ بلوغ منازعه و سناریو دوگانه مذاکره - فاجعه، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۴(۶۸)، ۴۴-۲۵.
۲. آشتی، ن. (۱۳۶۶). ساختار حکومت در عربستان سعودی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳. افتخاری، ا.، میلسن، ژان. (۱۳۸۸). دیپلماسی عمومی نوین، قدرت نرم در روابط بین‌الملل، ترجمه رضا کلهر و سیدمحسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۴. اکوانی، ح. (۱۳۹۴). سیاست دوستی در گفتمان علوی، پژوهشنامه نهج البلاغه، ۳(۹)، ۱۷۷-۱۳۵.
۵. امامی، م.ع. (۱۳۷۲). بررسی طرح‌های امنیتی در خلیج فارس، مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۶. امیدی، ع. (۱۳۸۸). منطقه‌گرایی در آسیا: نگاهی به سازمان‌های آ.سه.آن، سارک و ا.کو. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۷. بزرگمهری، م.، محمدخانی، ع.، نعمتی، ف. (۱۳۹۵). علل واگرایی در سازمان همکاری اسلامی. فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۵(۱۸)، ۵۱-۲۵.
۸. جعفری ولدانی، ا.، حق شناس، ن. (۱۳۷۲). اختلافات مرزی و ارضی بین دولت‌های خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت منطقه، مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، تهران:

- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۹. جکسون، ر.، سورنسون، گ. (۱۳۹۴). *درآمدی بر روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رهیافت‌ها*، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی زاده و حسن کلاهی، تهران: نشر میزان.
 ۱۰. جوان‌آراسته، ح. (۱۳۹۳). *دولت متحد یا اتحادیه کشورهای اسلامی از آرمان تا واقعیت. حکومت اسلامی*، ۱۹ (۷۳)، ۲۷-۴۰.
 ۱۱. خاشعی، و.، امامزاده، ج. (۱۳۹۰). *ارتباطات سیاسی؛ درآمدی نظری بر مبادی ارتباطی قدرت نرم*. رسانه، ۲۱ (۲)، ۲۱-۴۳.
 ۱۲. دلاژ، ا.، گریزبک، ژ. (۱۳۶۶). *توفان خلیج فارس*، ترجمه محسن مؤیدی و اسدالله مبشری، تهران: انتشارات اطلاعات.
 ۱۳. زاده علی، م.، میرحسینی، ف. (۱۳۹۶). *ریشه‌های ایران‌هراسی از نگاه افکار عمومی جهان عرب. فصلنامه سیاست خارجی*، ۳۱ (۲)، ۱۸۲-۱۵۱.
 ۱۴. زارع، ا. (۱۳۹۳). *نقش دیپلماسی نوین در افزایش همگرایی کشورهای اسلامی. فرهنگ پژوهش*، ۶ (۱۶)، ۱۴۳-۱۲۱.
 ۱۵. شیرازی، ح. (۱۳۹۶). *دیپلماسی فرهنگی و نقش انجمن‌های دوستی در روابط بین‌الملل. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۰ (۳۸)، ۳۸-۹.
 ۱۶. شفیعی، ن.، مرادی، ف. (۱۳۹۱). *همکاری و مشارکت میان سازمان‌های منطقه‌ای و سازمان ملل متحد به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی. پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱ (۶)، ۷۳-۹۲.
 ۱۷. صفاری‌انارکی، م. (۱۳۹۴). *عوامل سبب‌ساز واگرایی در روابط ایران و عربستان با تأکید بر فاجعه منا. ماهنامه پژوهش ملل*، ۱ (۱)، ۲۸-۴۲.
 ۱۸. طاهری‌مقدم، ط. (۱۳۹۱). *موانع شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای فراگیر در خاورمیانه (۲۰۱۱-۱۹۲۰). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.*
 ۱۹. طیب‌نیا، م.ص.، فلاح، م.، ربانی، ح. (۱۳۹۹). *معماران عصر جدید؛ تحلیلی بر وضعیت سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و جهان، اصفهان: مهرستان.*
 ۲۰. علی‌بابایی، غ.ر. (۱۳۷۴). *فرهنگ تاریخی-سیاسی ایران و خاورمیانه*، تهران: رسا.
 ۲۱. فاست، ل. (۱۳۹۲). *روابط بین‌المللی خاورمیانه*، ترجمه احمد سلطانی‌نژاد، تهران: وزارت امور خارجه، چاپ چهارم.
 ۲۲. قربی، م. (۱۳۹۸). *کارکردهای انجمن‌های دوستی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. مرکز مطالعات راهبردی روابط فرهنگی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی*، ۵ (۱۱)، ۷۹-۱۱۲.
 ۲۳. کاظمی، علی اصغر. (۱۳۷۰). *نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل*، تهران: قومس.
 ۲۴. کرمی، ک. (۱۳۹۸). *ناتوی عربی و ایران، قابل دسترسی در: <https://tisri.org/?id=9apwo5sa>*
 ۲۵. کبریایی‌زاده، ح. (۱۳۹۰). *نقش انجمن‌های دوستی در توسعه همکاری‌های بین‌دولتی، ویژه‌نامه*

- دومین هم‌اندیشی سازمان‌های مردم‌نهاد و دیپلماسی فرهنگی، تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
۲۶. محمدی، ح.، میزایی پور، ط.، حسین پور پویان، ر. (۱۳۹۱). تحلیل فضایی هیدروپلیتیک حوضه دجله و فرات. فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، ۱۰(۳۵)، ۲۶۱-۲۲۹.
۲۷. ملکی، ع. (۱۳۹۷). سیاست‌های زیست محیطی در خاورمیانه. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۸(۲۷)، ۳۴۹-۳۵۹.
۲۸. ملکی، م.، محمدزاده‌ابراهیمی، ف. (۱۳۹۹). چشم‌انداز خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط اسرائیل و جهان عرب. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۳(۷۷)، ۶۴-۴۵.
۲۹. معیبدی، ح. شجاعی، ج. (۱۳۹۷). شناخت زمینه‌های ارائه طرح معامله قرن، امکان سنجی تحقق آن و رسالت شبکه‌های برون مرزی. پژوهشنامه رسانه بین‌الملل، ۳(۳)، ۱۰۲-۷۶.
۳۰. مجتهد زاده، پیروز. عسگری، سهراب. (۱۳۹۸). جغرافیایی سیاسی و ژئوپلیتیک، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ هشتم.
۳۱. واعظ، ن. (۱۳۸۶)، تأملی بر علل و عوامل واگرایی میان کشورهای اسلامی خاورمیانه. مطالعات میان فرهنگی، ۲(۴)، ۱۸۱-۲۲۰.
۳۲. ولایتی، ع. سعیدمحمدی، ر. (۱۳۸۹). تحلیل همگرایی در جهان اسلام. دانش سیاسی، ۶(۱)، ۱۷۹-۱۵۱.
۳۳. ونت، ا. (۱۳۹۸)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل. ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: وزارت امور خارجه.
۳۴. هرسیج، ح.، ابراهیمی پور، ح.، نوعی‌باغبان، م. (۱۳۹۳). روابط کشورهای عرب منطقه خلیج فارس و ایران از منظر منطقه‌گرایی. مجله سیاست دفاعی، ۲۲(۴)، ۳۸-۹.
۳۵. هاوس، ارنست. (۱۳۸۵). مطالعه همگرایی منطقه‌ای؛ تأملاتی در باب شادکامی‌ها و تلخ‌کامی‌های پیش‌نظریه‌سازی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

English References

1. Andrew, C., Antony, D. (1996). *Regionalies and World Order*. London: Macmollan Press GTD.
2. Buzan, B., waver, O. (2003). *Regions and Power: The structure of International Security*. London: Cambridge University Press.
3. Hoetjes, G. (2021). The Gulf Cooperation Council and Failure of Peacebuilding in Yemen. *The International Spectater*. 56(4), 151-166.
4. Ibrahim, n., M. Bani. N. (2017). The Failure of the Arab League is Solving Inter0State

- Disputed. *British Journal of Arts and Social Sciences*, 22(1), 32-34.
5. List, J. (2011). The Market for Charitable Giving. *Journal of Economic Perspectives*, 25(2), 157-180.
 6. Mojtahedzadeh, P., Ahmadypoor, Z., Heidari, T. (2012). Explanation of UAE Claims Against three Iranian Islands. *International Quarterly of Geopolitics*, 8(25), 42-81.
 7. Nye, Jr. Joseph, s, 2003, Propaganda is not the way: soft power. Available at: www.nytimes.com/2003/01/opinion.
 8. Okruhlik, G. (1999). The Politics of Border Disputes: On the Arabian Peninsula. *International Journal*, 54(2), 230-248.
 9. spandler, k. (2019). *Regional Organizations in International Society, ASEAN, the EU and the Politics of Normative Arguing*. USA: Palgrave Macmillan.
 10. T.Abed, G., R.Davodi. H. (2003). Challenge of Growth and Globalization in the Middle East and North Africa. *International Monetary Fund*. <https://www.imf.org/external/pubs/ft/med/2003/eng/abed.htm>
 11. The Gulf Digital Archives (AGDA): <https://www.agda.ae/en/search/claims%20by%20Qatar%20and%20Abu%20Dhabi%20to%20the%20Iland%20of%20Habu!%2C%201-9->
 12. Wendt, A. (1999). *Social Theory of International Politics*. London: Cambridge University Press.

Translated References to English

1. Ahmadian, GH., Kahrizi, N. (2021). Iran and Saudi Arabia; Maturity of the conflict and the dual scenario of negotiation – disaster. *International Studies Journal*, 4(68), 25-44. Doi: 10.22034/Isj.2021.277698.1421. **(In Persian)**
2. AliBabai, G.H. (1996). *Historical-political culture of Iran and the Middle East*. Tehran: Rasa. **(In Persian)**
3. Andrew, C., Antony, D. (1996). *Regionalies and World Order*. London: Macmollan Press GTD.
4. Ashti, N. (1988). *Government structure in Saudi Arabia*. Tehran: Office of Political and International Studies. Second Edition. **(In Persian)**
5. Bozorgmehri, M., Mohammadkhani, A., Nemati, F. (2017). Causes of divergence in the Organization of Islamic Cooperation, *Quarterly Journal of Political Studies of the*

Islamic World. 5(18), 25-51. **(In Persian)**

6. Buzan, B., waver, O. (2003). *Regions and Power: The structure of International Security*. London: Cambridge University Press.
7. Delaj, O., Grizberk, ZH. (1966). *Persian Gulf Storm*. Translated by Mohsen Moayedi and Asadallah Mobasheri, Tehran: Etelaat, First Edition. **(In Persian)**
8. Drysdale, A., H. Blig. G. (1996). *The Middle East and North Africa: A Political Geography*. Translated by Dorreh MirHeydar. Tehran: Ministry of Foreign Affairs, Printing and Publishing Institute. **(In Persian)**
9. Ebrahimifar, T. (2000). Investigating the causes of divergence in the Persian Gulf region. *Journal of Foreign Policy*, 13(2), 379-396. **(In Persian)**
10. Eftekhari, A., Milson. Z.H. (2010). *Modern Public Diplomacy, Soft Power in International Relations*. Translated by Reza Kalhor & Mohsen Rohani. Imam Sadegh University Publications. First Edition. **(In Persian)**
11. Ekvani, H. (2016). The politics of friendship in Alavi discourse. *Nahj al-Balaghah Research Journal*, 3(9), 135-177. **(In Persian)**
12. Emami, M. (1994). Review of security plans in the Persian Gulf. *Proceedings of the Third seminar on Persian Gulf Issues*. Tehran: Office of Political and International Studies. **(In Persian)**
13. Fawcett, L. (2016), *International Relations of Middle East*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs, Third Edition. **(In Persian)**
14. Ghorbi, M. (2020). Functions of friendship associations in cultural diplomacy of the Islamic Republic of Iran. *Center for Strategic Studies in Cultural Relations, Islamic Culture and Communication Organization* ,5(11), 79-112. **(In Persian)**
15. Harsij, H., Ebrahimipoor, H., noibaghban, M. (2015). Relations between the Arab countries of the Persian Gulf region and Iran from the perspective of regionalism. *Journal of Defense Policy* ,22(88), 9-38. **(In Persian)**
16. Hause, E. (2007). *Regional convergence study; Reflections on the joys and sorrows of pre-theorizing*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications. **(In Persian)**
17. Hoetjes, G. (2021). The Gulf Cooperation Council and Failure of Peacebuilding in Yemen. *The International Spectater*. 56(4), 151-166.
18. Ibrahim, N., M. Bani. N. (2017). The Failure of the Arab League is Solving Inter0State

- Disputed. *British Journal of Arts and Social Sciences*, 22(1), 32-34.
19. Jafari Valadani, A., Haghshenas, N. (1994). *Border and Territorial Disputes between the Governments of the Persian Gulf and Its Impact on the security of logic. Proceedings of the third seminar on Persian Gulf issues*, Tehran: Office of Political and International Studies. **(In Persian)**
20. Jackson, R., Sorensen, G. (2015). *Introduction to International Relations: Theories and Approaches*. Translated by Mahdi Zakerian, Ahmad Taghizadeh & Hasan Saidkolahi. **(In Persian)**
21. Javan Arasteh, H. (2014), The United Government or Union of Islamic Countries from Ideal to Reality, *Islamic Government*, 19(73), 27-40.
22. Karami, K. (2020). Arab NATO and Iran. Tehran: *Abrar Institute for Contemporary International Studies and Research*. Available at: <https://tisri.org/?id=9apwo5sa>. **(In Persian)**
23. Kazemi, A. (1992). *Convergence theory in international relations*. Tehran: Ghomes. First Edition. **(In Persian)**
24. Kebriaizadeh, H. (2012). *The role of friendship associations in the development of intergovernmental cooperation, Special issue of the second symposium of non-governmental organizations and cultural diplomacy*, Tehran: Islamic Culture and Communication Organization. **(In Persian)**
25. Kharrazi, Z., Mohammad Vand, A. (2010). The Impact of Cultural Diplomacy on the National Interests of Countries. *Journal of Cultural Management*, 3(6). 107-122. **(In Persian)**
26. Khashei, V., Emamzadeh, J. Political communication; Theoretical introduction to the basics of soft power communication. (2012). *Resaneh*, 21(2), 21-43. **(In Persian)**
27. List, J. (2011). The Market for Charitable Giving. *Journal of Economic Perspectives*. 25(2), 157-180.
28. Majidi, H., shojai, J. (2019). Understanding the fields of presenting the transaction plan of the century, the feasibility of its realization and the mission of overseas networks. *Journal of International Media*, 3(3), 76-102. **(In Persian)**
29. Maleki, A. (2019) Environmental policy in the Middle East. *Quarterly Journal of Strategic Studies in Public Policy*, 8(27), 349-359. **(In Persian)**
30. Maleki, M., Mohammadzadeh Ebrahimi, F. (2021). The prospect of Middle East peace

- in the shadow of the normalization of Israeli-Arab relations. *International Studies Journal*, 3(67). 45-64. Doi: 10.22034/ISJ.2021.271531.1381. **(In Persian)**
31. Mojtahedzadeh, P., Asgari, S. (2020). *Geopolitical and geopolitical*. Tehran: Payam Noor university, Eighth Edition. **(In Persian)**
32. Mojtahedzadeh, P., Ahmadypoor, Z., Heidari, T. (2012). Explanation of UAE Claims Against Three Iranian Islands. *International Quarterly of Geopolitics*, 8(25), 42-81.
33. Mohammadi, H., Mirzaipoor, T., Hoseynpoor Poyan, R. (2013) Spatial analysis of the Tigris and Euphrates basins. *Iranian Journal of Geographical Association*, 10(35), 229-261. **(In Persian)**
34. Nye, Jr. Joseph, s, 2003, Propaganda is not the way: soft power. Available at: www.nytimes.com/2003/01/opinion.
35. Okruhlik, G. (1999). The Politics of Border Disputes: On the Arabian Peninsula. *International Journal*, 54(2), 230-248.
36. Omid, A. (2010). *Regionalism in Asia: A Look at the ASEAN, SAARC, and ECO Organizations*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs, First Edition. **(In Persian)**
37. Saffari, M. (2016). Factors causing divergence in Iran-Saudi Arabia relations with emphasis on the Mena tragedy. *Monthly Research of Melal*, 1(1), 28-48. **(In Persian)**
38. Sekhvati, N. (2010). Convergence in the Middle East. *Maarefat Quarterly*, (22), 53-63. **(In Persian)**
39. Shafie, N., Moradi, F. (2013). Cooperation and partnership between regional organizations and the United Nations to maintain international peace and security. *Quarterly Journal of International Relations Research*, 1(6), 73-92. **(In Persian)**
40. Shirazi, H. (2018). Cultural diplomacy and the role of friendship associations in international relations. *Research Letter of International Relations*, 10(38), 9-38. **(In Persian)**
41. spandler, k. (2019). *Regional Organizations in International Society, ASEAN, the EU and the Politics of Normative Arguing*. USA: Palgrave Macmillan.
42. T.Abed, G., R.Davodi. H. (2003). Challenge of Growth and Globalization in the Middle East and North Africa. International Monetary Fund. <https://www.imf.org/external/pubs/ft/med/2003/eng/abed.htm>
43. Taheri Moghadam, T. (2013), Obstacles to the formation of a comprehensive regional

- organization in the Middle East, Master Thesis, Allameh Tabatabaei University. **(In Persian)**
44. Tayebnia, M., Fallah, M., Rabbani, H. (2021). *Architects of the New Age; An Analysis of the Situation of Non-Governmental Organizations in Iran and the World*. Iran: Mehrestan. **(In Persian)**
45. The Gulf Digital Archives (AGDA): <https://www.agda.ae/en/search/claims%20by%20Qatar%20and%20Abu%20Dhabi%20to%20the%20Iland%20of%20Habul%2C%201-9->.
46. Also check: Digital Library of the Middle East, Confidential B.27.no.14/168. Ownership of Halul Island and Mica at Halul.
47. Vaez, N. (2007), Reflections on the Causes of divergence among Islamic Countries in the Middle East, *Intercultural studies*, 2(4). 181-220. **(In Persian)**
48. Velayati, A., Said Mohammadi, R. (2010). Convergence analysis in the Islamic world, *Political knowledge*, 6(1), 151-179. **(In Persian)**
49. Wendt, A. (2020). *Social Theory of International Politics*. Translated by Homeyra Moshirzadeh, Tehran: Ministry of Foreign Affairs. Fifth Edition. **(In Persian)**
50. Wendt, A. (1999). *Social Theory of International Politics*. London: Cambridge University Press.
51. ZadehAli, M., Mirhoseyni, F. (2018). The roots of Iranophobia from the perspective of public opinion in the Arab world. *Foreign Policy Quarterly*, 31(2), 152-182. **(In Persian)**
52. Zare, E. (2015). The role of Modern Diplomacy in Increasing the Convergence of Islamic Countries. *Research Culture Quarterly*, 6(16), 121-143. **(In Persian)**



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی